

عشایر و دامداری در تالش

رضا قربانی ریک

در نواحی تالش نشین ایران به ویژه در بخش کوهستانی تالش اغلب به دامداری پرداخته می شود.

کوه نشینان تالش متشکل از ایل های مختلفی می باشند و هر ایل مجموعه ای از طایفه های کوچک و بزرگ است که در حوزه جغرافیایی مشخصی پراکنده اند. حوزه جغرافیایی هر ایل اغلب سرتاسر آبریز یک رودخانه از سرچشمه تا جلگه است. مراتع ییلاقی هنوز اشتراکی است. ایل های مختلف کوهستانهای تالش از نظر اقتصاد عمومی وضع همسانی ندارند، چنانکه گاهی تفاوت وضعیت عمومی اقتصاد یک ایل با ایل دیگر به سادگی قابل تشخیص است. شرایط طبیعی حوزه جغرافیایی، یکی از عوامل این تفاوت بحساب می آید، لیکن عامل مهم تر جنبه تاریخی - سیاسی دارد.

مثلا در سطح منطقه تالش ایلهای گوناگونی وجود داشته اند که به عنوان نمونه در رودخان ملال Melal و خاشه بر Xasa bar واقع در بخش تالش دولاب، دوایل بنام های مزبور سکونت دارند. ولی وضع اقتصادی، خاشه بری ها نسبتاً بهتر از وضع ملالی هاست، این مرور دقیقاً حکایت از علت سیاسی دارد و آن اینکه در جنبش انقلابی جنگل ایل ملال به میرزا کوچک اعلام همبستگی نموده بود و از جنبش جنگل حمایت میکردند ولی ایل خاشه بر تحت سلطه خوانین مخالف میرزا قرار داشت. پس از شکست جنبش نیز بین دو ایل رابطه غالب و مغلوب برقرار گردید. ساکنین بخش کوهستانی را کواج Koaj یا šuna یعنی اهل کوه و ساکنین بخش کوهپایه ای را گیلنج Gylonj یعنی اهل گیلان می نامند.

ساکنین نواحی کوهستانی از زمانهای بسیار دور دامدار بوده اند. شرایط طبیعی محیط امکان ایجاد و پیشرفت کار دامداری را در سطح وسیع ایجاد نموده است. از این رو با افزایش جمعیت و وابستگی روز افزون زندگی روستایی با زندگی شهری و وجود نیازهای تازه ای که با این پیوستگی ایجاد می گردد. موضوعات موجود کار که با محدودیت در افزایش سطح روبروست و هم بسبب اینکه همین موضوعات کاری بر اثر قرار داشتن در چارچوب یک شیوه تولید عقب مانده نمی تواند نیروهای تازه را جذب و پاسخگوی نیازهای تازه و فزاینده مردم باشد طبیعی است که در چنین شرایطی مقاومت در ارکان سنتی اجتماع رو به پاشیدگی و تغییر شکل می گذارد.

پروژه این فروپاشی و تغییر شکل در جامعه دامداران تالش بصورت تحلیل دامداری و کوچکتر شدن خانواده های سنتی، افزایش خانواده های اقشار پائین تر و نهایتاً روی آوردن اجباری بسیاری از جوانان و خانواده های فقیر به نقاط کوهپایه ای و جذب شدن آنها به مراجع صنعتی و فروش نیروی کار، انجام می‌گیرد. (عبدلی ، ۱۳۶۱ ص ۲۶-۳۰)

شیوه پرورش گوسفند بطور اخص، در تالش تالش بسیار ابتدایی و بی بهره از تسهیلات و امکانات شیوه های نوین است.

از ویژگیهای دامداری این منطقه، می توان به موارد زیر اشاره کرد: در تمام طول سال از دام ها در فضای آزاد نگهداری میشود ، به اقتضای شرایط موسمی و محیطی - وسعت و قابل استفاده بودن مراتع - باید برای تعلیف ، دام ها را چندین بار از جایی به جایی دیگر بکوچانند ، حتی در فصل زمستان که برف های سنگین همه جا را می پوشاند آنگاه که نه برگی برشاخه درختان دیده میشود و نه نشانی از علف و سبزی بر روی زمین بچشم می خورد و نه برای دامها سرپناهی وجود دارد ، مگر در موارد فوق العاده و آنهم

در صورت امکان از پناهگاه هایی چوبی بنام وونه Vona استفاده می‌شود.

در زمستان که نه علوفه ای است و نه خوراکی از پیش آماده آنچنانکه در دیگر جاها معمول است، در چنین شرایطی شبانان با پارو بدست پیشاپیش دام ها در مرتع به حرکت در می آیند و با پارو کردن برف ، علف های موجود در زیر آنها تا حدودی برای دامها قابل استفاده می نمایند و یا در صورت یخبندان که عمل مزبور میسر نیست، شبانان باید با تحمل دشواری های طاقت فرسا و تن دادن به انواع خطرها ، فاصله های دور و درازی را در ژرفای جنگل بپیمایند تا از شاخ و برگ برخی درختچه ها و رازک های همیشه سبز ، خوراکی موقتی برای دام ها فراهم نمایند، بدیهی ست که این شیوه نگهداری دام به نیروی انسانی زیادی نیاز دارد که تأمین حداقل مخارج آنها گاه از درآمد دامها پیشی میگیرد. (همان ص ۳۱) ساخت اجتماعی دامداران - قبل از دخالت منابع طبیعی در زندگی دامداران) بسیار ساده و کلاً به شرح زیر قابل تفکیک است

۱- دامدار خود کفای کوچنده

۲- دامدار کوچک کوچنده

۱- دامدار خود کفای کوچنده

حدود پنج درصد جمعیت کوهستان تالش را قشر دامدار خود کفا تشکیل می‌دهد. تعداد میانگین دامی که این قشر بعنوان منبع اصلی تولید در اختیار دارد و تنها از آن طریق تأمین معاش می‌نماید، حدود ۳۰۰ رأس گوسفند به نسبت هر خانواده گسترده است.

دامدار خود کفا مراتع مورد نیاز خود را در تملک دارد. اغلب جهت پیشبرد برخی امور مربوط به نگهداری دامها از وجود کارگر نیز استفاده میکند.

کالاهای مورد نیاز خود را معمولاً به روش نقدی در بازارهای هفتگی یا از مغازه پیشه‌وران طرف معامله دایمی خود می‌خرند و اگر چه در مواردی ناگزیر به پیش‌فروشی بخشی از محصولات آینده دام‌های خود و اخذ وامهایی از تجار محلی می‌شوند ولی به سبب داشتن توانایی در پرداخت بموقع آن چندان در بند استعمار سلف‌خران و رباء خواران نمی‌مانند. تقسیم کار در بین اعضای خانواده دامدار خود کفا، تفاوت‌هایی با تقسیم کار در خانواده‌های اقشار پایین‌تر دارد. (همان ص ۳۲).

در مرحله قبل از اسکان نگهداری رمه‌میش‌ها، که نقل مکانهای موسمی خانواده تابع ضرورت‌های آن می‌باشد، بر عهده پسران جوان بود. افراد جوانتر، حتی الامکان آنهایی که هنوز متأهل نبودند مسئول نگهداری رمه‌قوچ‌ها و یکساله‌ها بودند زیرا این نوع دام‌ها اغلب بدور از رمه اصلی و خانواده و در شرایط جغرافیایی نسبتاً دشوارتری نگهداری می‌شدند. به چوپانهای ورزیده و فارغ از مشکلات خانوادگی نیاز داشتند. نگهداری بره‌ها که از اوایل بهار تا اواخر تابستان هر سال ادامه داشته بر عهده نوجوانان کم‌سن و سال بود.

اکثر رمه‌داران تعدادی نیز گاو و اسب جهت بارکشی و ایاب و ذهاب داشتند. که نگهداری و شیری‌دوشی گاوها عمدتاً بر عهده زنان بویژه دختران جوان خانواده بوده که البته مسئولیت اصلی این کار با پدر و دیگر مردان مسن خانواده بود.

داد و ستد رفت و آمد به شهر و بازار، خرید و فروش، قرار داده‌ها، اخذ و پرداخت وام‌ها و فروش و بالاخره گرداندن کلیه امور اقتصادی و اجتماعی و کارگردانی انجام امور مربوط به دیگر اعضای خانواده از وظایف پدر یا ارشدترین عضو کاری خانواده بوده و انجام امور خانگی نخ‌ریسی و تهیه شال، جوراب و دستکش بافی برای فروش، دوشیدن شیر گاوها، تهیه پنیر، بستانکاری و ... مربوط به زنهاست. در این رابطه نیز مدیریت تام با مادر خانواده بود.

پشم‌چینی گوسفندان، شیردوشی از رمه، تهیه هیزم، از جمله کارهایی است که خاص کسی نیست و همگی موظف به انجام آن بودند.

در این تقسیم‌کار بین اعضای خانواده تغییری در طول سال انجام می‌گرفته و آنهم در بحبوحه زمستان پیش می‌آمده و آن‌اینکه به سبب نبودن رمه افراد نوجوان نقش دستیاری پدر خانواده را در انجام وظایف مربوط به او ایفا می‌کردند. بویژه در زمینه تهیه سوخت، نگهداری گاوها و رفت و آمدهای ضروری بین خانه و رمه‌قوچ‌ها.

همانطور که گفته شد این تقسیم‌کار در مورد عشایر اسکان یافته، دقیقاً مصداق ندارد. در خانواده‌های اسکان یافته به سبب قلت تعداد دام و یا عدم وجود دام همچنین برخوردار نبودن این خانواده‌ها از انسجام و گستردگی قشر خودکفا، اکثر کارها بوسیله پدر و دیگر عضو کارای خانواده انجام می‌پذیرد. در رابطه با قشر چندگانه کار نیز موضوع تفاوت بیشتری دارد و گاه کلاً متفاوت است، زیرا خانواده‌های درون این قشر جهت تامین معاش، نبود جا و یا اندک بودن گوسفند را با پرداخت به کارهای دیگری نظیر انجام کارگری، کارهای بنایی، بستانکاری، زراعت جو، گندم، ذرت و ... پر می‌کنند. تعداد خانواده‌های قشر خودکفا به سرعت رو به کاهش است علت اصلی آن نیز مسئله‌ای است که اشاره شد و آن، ناهم‌خوانی میزان تولید با افزایش جمعیت و نیازهای فزاینده و جدید بر اثر عقب‌ماندگی شیوه تولید و سیاست دولت‌هایی بوده که وظیفه استقرار و پایداری از سرمایه‌داری وابسته در میهن ما را بر عهده داشتند می‌باشد. بنابراین در همین حساب ساده پیداست که جلوگیری از تحلیل دامداری در تالش در حله نخست با وجود توازن سه عامل اساسی (نیروی انسانی، دام‌کافی، مرتع کافی) پیوسته به هم امکان‌پذیر است.

اگر در هر یک از این عوامل کاستی و نقصی پدید آید توازن مزبور نیز به هم می‌خورد. مثلاً اگر به سبب نامناسب بودن شرایط کار، وجود پیشه‌های مناسب‌تر در نواحی جلگه‌ای و شهرها، دامدار قادر

به جلوگیری از فرار نیروی انسانی از خانواده نگردد ، باید جهت پیشبرد کار ، برخی کارگران داوطلب را استخدام کند .

ولی با وجودیکه کارگر نسبتاً هزینه بیشتری همراه دارد به اندازه عضو خودی برای دامدار مفید و مؤثر نیست و دامدار در چنین وضعیتی قادر نخواهد بود با رضایتمندی ، کار خود را ادامه دهد . بفرض اینکه نیروی انسانی مناسب و لازم وجود داشته باشد ، افزایش قابل توجه تعداد دام بدون دریافت کمک و بدون دسترسی داشتن به منبع درآمدی دیگر قابل تصور نیست .

حال اگر نیروی انسانی و دام لازم و کافی موجود باشد، داشتن مرتع کافی و مناسب آنهم در محدوده مشخص و ثابت کوهستانهای تالش به سختی میسر خواهد است.

دامدار کوچک

قشر دامدار کوچک حدود ۲۵٪ جمعیت کوهستان را در بر می گیرد . با توجه به توضیحات پیشین بیشتر خانواده های این قشر در روند تلاش خانواده های سنتی و تحلیل دامداری در کوهستان شکل گرفته اند.

تعداد دامی (گوسفند) که این قشر در اختیار دارد بطور متوسط حدود ۱۵۰ رأس به نسبت هر خانواده است. گروه زیادی از این خانواده بخشی و گاه تمام دام های خود را با خوانین ، بیگ ها و اشخاص گوناگون دیگر شریکند .

بسیاری از ضروریات حرفه های آنان ایجاب می کند که اغلب در بیشتر ماههای سال، هر دو خانواده به رسم پیشیر Pasyar با هم زندگی کنند ، یعنی ضمن اینکه در کلیه شئون اقتصادی و خانوادگی مستقل هستند ، دام های خود را با هم قاطی نموده و از آن رمة واحدی تشکیل می دهند و با استفاده مشترک از مراتع همدیگر با کمک یکدیگر و بکارگیری توانایی های متقابل، هم رمة مشترک خود را در طول زمانی معین نگه میدارند . (رفرنس: استادعلی عبدلی)

نوعی تعاون و در نوع خود بسیار جالب ساده و طبیعی، با توجه به شیوه تولیدی و نگهداری دام چنانکه در کوهستان رایج است دامدار کوچک به سختی امرار معاش میکند از این رو اکثراً زیر فشار سودجویی‌های سلف خران و تجار و همچنین در قید وامهای بانکی قرار دارند .

برخی بدون توسل به منابع کمکی، مانند کشت ذرت و گندم و بستانکاری ، توان گرداندن چرخ زندگی خانواده خود را ندارند، در حالیکه همین کار خود همراه با محدودیتهای زیاد و گاه غیر ممکن است ، زیرا پیش از هر چیز زندگی دامدار تابع ضروریات کار دامداری است و مثلاً ناگزیر است تحت شرایط اقلیمی سالی چند بار از نقطه ای به نقطه دیگر کوچ کند ، در حالیکه کار زراعت جهت داشت و برداشت مستلزم چندین ماه وقت می باشد ، بنابراین یک خانواده دامدار در صورتیکه از نیروی انسانی کافی بهره‌مند نباشد نخواهد توانست هم همراه رمه سالی چند بار از جایی به جایی دیگر کوچ کند و هم به کشاورزی و صیفی کاری بپردازد.

آن گروه از دامدارانی که ناگزیر دستی هم در کشاورزی و صیفی کاری دارند بار دشواریهای توان فرسایی را بدوش می کشند. این عمل باعث آسیب پذیری آنان می گردد.

برخی از خانواده های روستایی از نظر امکانات رفاهی در سطح بالاتری از دامداران کوچک قرار می گیرند . حال برای اینکه در این باره توضیح بیشتری داده شود ابتدا نگاهی به ویژگیهای کلی قشر روستایی بیندازیم:

الف - شیوه اصلی معاش قشر روستایی، کشاورزی و صیفی کاری، دامداری و مخصوصاً خدماتی است .

ب - نوع دامی که این قشر نگه می‌دارند ، گاو ، گاه تعدادی هم گوسفند است .

ج - اغلب دستی به زنبور داری هم دارند.

د - به اقتضای شرایط شغلی سالی بیشتر از یکبار کوچ نمی کنند، از قشلاق به ییلاق در اواخر بهار و از ییلاق به قشلاق در اواخر تابستان و مهر ماه و این کوچ ها نیز شامل گروه کوچکی از خانواده های روستایی است، زیرا اکثراً در نقاط بین قشلاق و ییلاق سکونت دائمی دارند (کوچ انسانی) .

هـ - مساکن روستاییان چه در بیلاق و قشلاق و چه در نقاط بین این دو ناحیه بصورت دهکده های چندین خانواری است .

و - انجام امور خدمات و تولید کالایی صنایع بومی بر عهده همین قشر است .خدماتی را مثل کارگری ساده ، خانه سازی ، آسیابانی ، زغال گیری ، انجام کارهای مزارع ، شالی و صنایع بومی مثل شالبافی ، نخ ریزی ، جوراب بافی و صنایع ساده چوبی را انجام می دهند .

برگرفته از: وبلاگ "فرهنگ تالش"